

## سهام مدرسه عالیہ کلکتہ در گسترش زبان و ادبیات فارسی در هند

نوشتہ غلام سرور\*

ترجمہ سید غلام نبی احمد•

سقوط سلسلہ مغول و ظہور کمپانی ہند شرقی، بہ عنوان مرکز فرمانروایی و کشورداری ہند، آغاز دورہ نوگرایی و تجدیدطلبی در ہند بہ شمار می رود. در ایام تسلط انگلیسی ہا، برنامه ہای خاصی برای احیاء و نوآوری در وجوہ مختلف زندگانی و امور روزمرہ مردم اجرا شد. در ابتدا حکمرانان انگلیسی، زبان فارسی را بہ منظور نفع و سودمندی خودشان و برای انجام کارہای اداری، نظامی، دادگاہی و عمومی بکاربردند. اما بعداً، بہ منظور اجرای برنامه ہایی در میان مردم ہندوستان، زبان انگلیسی و دیگر زبان ہای ملی ہند را مورد تشویق و ترویج قرار دادند. ۱۸۳۷ میلادی، طبق یک دستور و قانون دولتی، زبان انگلیسی جایگزین زبان فارسی در مکاتبات اداری و رسمی کشور ہند شد. با این حال در زمینہ آموزش و پرورش، بہ ویژہ در مدارس و درسگاہ ہایی کہ عربی و فارسی و علوم اسلامی را تدریس می کردند، این استراتژی را درپیش گرفتند کہ در موضوع و محتوای آموزشی این مراکز هیچ دخالتی نمی کنند. در سال ۱۸۳۹ میلادی حکومت رسماً اعلام نمود کہ تدریس عربی و فارسی در برنامه آموزشی مدارس کہ نیاز اساسی دارند ادامہ یابد و در نصاب ہم شامل گردد<sup>۱</sup>. در نتیجہ ابلاغ این دستور،

---

\* دانشیار بخش زبان فارسی کالج مولانا آزاد، کلکتہ.

• استادیار بخش زبان فارسی دانشگاه لکھنؤ، لکھنؤ.

1. Rahman: M: *History of Madrasa Education*, Calcutta, 1979, p.96.

مطالعات عربی و فارسی مثل سابق در میان مسلمانان هند رونق خاصی گرفت. در این شرایط، غیرمسلمانان به فراگرفتن زبان انگلیسی و زبان‌های مادری‌شان توجه نمودند. در پی تلاش‌های صمیمانه و صادقانه مسلمانان بنگال (تحت راهنمایی مولانا مجدالدین) در سال ۱۷۸۰ میلادی وارن هستینگ (Warren Hasting) فرماندار کل هند با تأسیس «مدرسه عالیہ کلکتہ» به منظور تدریس علوم اسلامی و دیگر رشته‌های مذهبی و دینی به دانشجویان مسلمان هند موافقت کرد. در آن هنگام اجرای برنامه‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف از طرف دولت و تدریس زبان و ادبیات عربی و فارسی در مدرسه کلکتہ با شور و شکوه شایان و درخشندگی زیاد جاری و ساری بود. در سال ۱۸۵۴ میلادی وقتی که بخش فارسی و اروپایی به وجود آمد، فارسی رشته اجباری این بخش گردید و نصاب دارای زبان و ادبیات فارسی کلاسیک بود.

در سال ۱۸۷۱ میلادی، یک کمیته عامل و مدیرت مدرسه کلکتہ تحت ریاست قاضی نورمن (Justice Norman) و عضویت گروهی از دانشجویان و دانشمندان بریتانیایی و مسلمانان هندی به منظور ترویج و گسترش شیوه و روش آموزش و پرورش مدرسه تشکیل گردید. نواب عبداللطیف، که عضو کمیته بود، این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

”برای فهم فرهنگ اسلامی و دانش مذهبی، آموزش زبان و ادبیات فارسی و اردو لازم و اجباری می‌باشد؛ چون بدون فراگرفتن اینها، کسی نمی‌تواند در اجتماع و معاشره مسلمانان جای شایانی داشته باشد“<sup>۱</sup>.

کمیته عامل و ناظر مزبور، پس از بررسی و بحث بر سر موضوع و محتوای برنامه آموزشی مدرسه، یک گزارش حکومت هند تحویل داد. در این گزارش، مطالبی جهت اصلاح در نصاب بخش عربی و فارسی و اروپایی پیشنهاد شده است. البته در این گزارش، ارزش و اهمیت عربی و فارسی مورد توجه قرار گرفته که در زیر نقل می‌شود:

”اگر تدریس زبان و ادبیات عربی و فارسی به همراه موضوع‌های دیگر در هر سطح و مقطع تحصیلی انجام بگیرد، در میان مسلمانان هند مورد استقبال

1. Rahman: M: *History of Madrasa Education*, p.129.

قرار می‌گیرد؛ و از این طریق، تشویق و همکاری و پشتیبانی خاص و فوق‌العاده‌ای از دانشوران و دانشمندان و نخبگان حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

کمیتهٔ مزبور آثار مهمی چون اخلاق محسنی، یوسف و زلیخا، سکندرنامه و انشای ابوالفضل را برای دانشجویان بخش اروپایی و فارسی تجویز نمود.<sup>۲</sup> لرد نورث بروک (Lord North Brook) فرماندار بنگال اجرای تصمیم‌های کمیته را در هر دبیرستانی که تحصیلات فارسی و عربی ضروری و لازم بود اجباری اعلام کرد.<sup>۳</sup> دولت هند برای مدیریت این مدرسهٔ عالی، داشتن مدرک تحصیلی فارسی و عربی را اجباری اعلام نمود. در این موقع آقای بلوکمان (Blockmann)، دانشور برجستهٔ عربی و فارسی، به‌عنوان رئیس مدرسه استخدام شد.<sup>۴</sup>

به‌زودی این مدرسه، به‌عنوان یکی از مهمترین مراکز اسلامی و علمی هند، مطرح شد. استادان برجسته و ممتاز و متخصص در زمینه‌های گوناگونی برای تدریس دانشجویان استخدام شدند. علاوه بر استادان پُرکار مدرسه که زندگی خودشان را جهت پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی وقف نموده بودند، به‌زودی شاگردان تحت سرپرستی و راهنمایی استادان نامدار این مدرسه نیز سهم بسزا و نقش کلیدی در جهت رواج و رونق و بارآوری زبان و ادبیات فارسی و عربی نه فقط در شمال هند بلکه در سراسر کشور ایفا کردند. در کنار ترویج زبان‌های عربی و فارسی، زبان اردو نیز به‌عنوان زبان ملی مردم شمال هند مورد حمایت دانشمندان و دانشوران قرار گرفت.

نه فقط علما و فضایی چیره‌دست مسلمان بلکه دانشوران اروپایی نیز ریاست و مدیریت مدرسهٔ کلکته را به‌عهده داشتند. این مدرسه در تعلیم زبان فارسی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت و زبان و ادبیات فارسی را در بنگال رونق فراوانی بخشید. دکتر اسپرنگر (Sprenger) (۱۸۵۰ م)، سر ویلیام ناساو لیس (Nassau Lees) (۱۸۵۷ م)، هنری فردینند بلوکمان (Henry Ferdinand Blockmann) (۱۸۷۰ م)، آئی.اف.آر. هرنل

1. Rahman: M: *History of Madrasa Education*, p.132.

۲. عبدالستار: تاریخ مدرسهٔ عالی کلکته، داکا (بنگلادش)، ۱۹۵۹ م، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص ۱۹۸.

۴. همان، ص ۱۹۹.

(A.F.R. Hornel)، سر اورل استن (Aurel Stein) (۱۸۹۹ م)، سرهنگ جی.اس.آی.؛ رانکینگ (Lt.Col. G.S.A. Ranking) (۱۹۰۱ م)، سر ادوارد دنیسن راس (Edward Denison Ross) (۱۹۱۱-۱۹۰۳ م) و الکساندر هامیلتون هارلی (۱۹۲۷-۱۹۱۱ م) از جمله افرادی بودند که ریاست این مدرسه را به عهده داشتند. این اشخاص، از دانشوران برجسته زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌روند.

دکتر اسپرنگر که دانشور جیره‌دست و معروف فارسی و عربی بود، قبل از اشتغال در مدرسه کلکته، فهرست نسخه‌های خطی عربی، فارسی و هندوستانی کتابخانه‌های شاهان اوده را تهیه کرده بود. علاوه بر این، کتاب‌های بسیاری راجع به موضوع و محتوای دین اسلام تألیف کرد. همچنین وی چند نسخه خطی انجمن آسیایی بنگال را تدوین و تصحیح نمود.<sup>۱</sup> یکی از این کارها، شاهکار سکندرنامه بحری می‌باشد. او، گلستان سعدی را به زبان انگلیسی ترجمه کرد.<sup>۲</sup> وی آشنایی کامل با بیست و پنج زبان داشت.

سر ویلیام ناساویس، مترجم زبان فارسی بود. او در اوج نابسامانی‌های اجتماعی و هرج و مرج سیاسی (یعنی در سال ۱۸۵۷ میلادی) به‌عنوان رئیس مدرسه عالی کلکته استخدام شد. همزمان با جنگ آزادی (مبارزه استقلال)، افسران و مقامات بریتانیا می‌خواستند که این مدرسه را ببندند؛ اما سر ویلیام ناساویس، این اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها را مورد حمایت قرار نداد، بلکه با تغییر کمی در برنامه تعلیمات مدرسه، آن را اداره کرد.<sup>۳</sup> تحت راهنمایی وی چندین نسخه خطی نادر و نایاب، مثل تاریخ فیروزشاهی، طبقات ناصری، منتخب‌التواریخ، عالمگیرنامه، پادشاهنامه تصحیح شد.<sup>۴</sup> وی مقاله مهمی درباره کاربرد الفبای اروپایی در زبان‌های خاوری تألیف کرد.<sup>۵</sup>

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۴-۱۵۳.

۲. خالد حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، کلکته، ۱۹۹۷ م، ص ۲۸۶.

۳. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۳۱-۱۲۳.

۴. خالد حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۷.

5. *Journal, Asiatic Society of Bengal, Vol. 23, 1854, pp.345-49.*

هنری فردینند بلوکمان، شیفته و دوستدار زبان فارسی بود و مدتی مسئول کتابخانه فورت ویلیام بود. آنگاه از طریق سر ویلیام لیس که آنزمان مدیر مدرسه بود به‌عنوان استادپارِ فارسی و اردوی مدرسه کلکته (در سال ۱۸۶۰ میلادی) استخدام شد. وی در سال ۱۸۷۰ میلادی به‌عنوان رئیس مدرسه انتخاب شد. بلوکمان کتاب‌های بسیار و مقاله‌های فراوان به‌تحریر درآورد: *آئین اکبری* از ابوالفضل، هفت آسمان از احمد علی را تصحیح نمود و جلد اول *آئین اکبری* را به‌زبان انگلیسی ترجمه کرد.<sup>۱</sup> این آثار گرانبهایه، دانشمندی و دانشوری وی را آشکار می‌سازد.

آقای رانکینگ که در سال ۱۹۰۰ میلادی مسئولیت و ریاست مدرسه را به‌عهده داشت، مقالات مهمی راجع به‌زبان و ادبیات فارسی در مجله‌های معتبر کلکته به‌چاپ رسانید. آقای ایوانف، وی را دانشور نامور فارسی محسوب کرده است؛ به‌گفته ایوانف، تحت سرپرستی و راهنمایی وی فهرست توضیحی نسخه‌های خطی انجمن آسیایی بنگال آماده شد.<sup>۲</sup> وی جلد اول *منتخب‌التواریخ عبدالقادر بدایونی* را ترجمه کرد و کتابی خوبی در زمینه عروض هم نوشت. علاوه بر این، چند اثر عربی را نیز ترجمه نمود.

دیگر دانشور برجسته و از مدیران و رؤیسان مدرسه کلکته، سر دنیسن راس بود که در سال ۱۹۰۳ میلادی این منصب را به‌عهده داشت. او، به‌عنوان یک خاورشناس معروف بین‌المللی، دانش و آشنایی عمیق درباره دین اسلام داشت. وی مقالات فوق‌العاده‌ای در زمینه مطالعات اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دارد. او، *تاریخ گجرات ابوتراب ولی، دیوان بیرم خان، مبادی اللغات محمد مهدی خان، هفت اقلیم امین احمد رازی* را تصحیح نمود.<sup>۳</sup>

مقالات خارق‌العاده او در مورد فقیر خیرالدین محمد (تاریخ‌نویس شاه عالم) دیوان بابر پادشاه (مجموعه شعری پادشاه ظهیرالدین محمد بابر)، مقامات حریری، دانشوری و دانشمندی وی را نشان می‌دهد.<sup>۴</sup>

۱. خالد حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۴.

2. Inavow, W: *Concise Description Catalogue of the Persian Manuscripts*, Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1985, p.xii.

3. Ibid, p.287.

4. *Journal*, Asiatic Society of Bengal, Vol. 71, 1902, pp.72-3, 136-41.

الکساندر هامیلتون هارلی، دانشمند و دانشور نامور زبان‌های عربی و فارسی و اردو، در سال ۱۹۱۱ میلادی مدیر این درسگاه شد و تا سال ۱۹۲۷ میلادی، با کامرانی و کامیابی خدمات شایانی کرد. وی بعداً به‌عنوان اولین رئیس کالج اسلامیہ (کالج مولانا آزاد) تعیین شد.<sup>۱</sup> وی در تصحیح جلد سوم هفت اقلیم با عبدالمقندر و محفوظ‌الحق همکاری نمود.

پس از سال ۱۹۲۸ میلادی، اهالی هندی ریاست و مدیریت این مدرسه بزرگ را به‌عهده داشتند. بیشتر این افراد نیز از دانشوران و دانشمندان فوق‌العاده و برجسته عربی و فارسی و اردو بوده‌اند. آنان از صلاحیت و استعداد و علم و فضل خودشان برای رونق و پیشرفت این مدرسه بهره بردند. در عین حال این افراد، سهم بسزائی در پیشرفت زبان و ادبیات فارسی داشتند.

مولوی هدایت حسین، که در سال ۱۹۲۸ میلادی مدیریت مدرسه را به‌عهده گرفت، دانشور برجسته و خارق‌العاده عربی و فارسی بود و در زمینه مطالعات فارسی خدمات شایانی کرد. وی بسیاری از نسخه‌های خطی انجمن آسیایی بنگال را تصحیح نموده است.<sup>۲</sup> مآثر رحیمی (در سه جلد) از عبدالباقی نهایندی، طبقات اکبری (۳ جلد) از نظام‌الدین احمد، تاریخ مبارکشاهی از احمد بن عبدالله، تاریخ شاهی احمد یادگار، تذکره همایون و اکبر از بایزید بیات، تاریخ شوشتر از عبدالله شوشتری، قانون همایونی از خواندمیر از جمله کارهای فوق‌العاده او بود.<sup>۳</sup> این آثار نشانگر و بیانگر دانشوری و دانشمندی و عاشقی و دلبستگی وی به‌زبان و ادبیات فارسی می‌باشد.

خان بهادر محمد موسی، از اهالی بنکورا، دانشور و دانشمند گرانقدر عربی و فارسی از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۱ میلادی مدیر مدرسه کلکته بود؛ وی نیز، خدمات شایانی انجام داده است. وی، چندین کتاب و مقاله به‌زبان عربی و فارسی و اردو به‌تحریر درآورد.<sup>۴</sup>

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۱۵۶.

۳. خالد حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۹.

۴. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۵۹.

خان بهادر مولوی ضیاءالحق، مدیری و ریاست مدرسه را از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۴ میلادی به‌عهده داشت. وی نصاب درسی عربی و فارسی برای کارشناسی ارشد دانشگاه‌های کلکته و دهاکه را تدوین کرد.<sup>۱</sup>

مولوی شیخ شرف‌الدین در سال‌های ۵-۱۹۵۴ میلادی ریاست مدرسه را عهده‌دار بود. وی مقالاتی راجع به‌موضوع و محتوای مطالعات اسلامی به‌زبان انگلیسی نوشت و در مجله‌های معتبر هند و پاکستان به‌چاپ رساند. وی در انتشار مجله سگه‌شناسی در انجمن آسیایی بنگال با اچ.ای. استاپلتون (H.E. Stapleton) همکاری نموده است. او، مقاله فوق‌العاده‌ای در مورد اختراع شیمی در قرن یازدهم میلادی نوشته است.<sup>۲</sup>

علاوه بر دانشوران و دانشمندان و استادان نامدار مزبور که ریاست یا مدیریت مدرسه را به‌عهده داشتند، شمار زیادی از معلمان و آموزگاران ارشد مدرسه نیز سهم و نقش مهمی در تعلیم فارسی داشتند. این افراد، علاوه بر وظیفه تدریس دانشجویان در زبان‌های اردو، عربی و فارسی، شعرهایی سرودند و چندین کتاب و مقاله در این زمینه نوشتند.

از جمله مدرّسان و معلمان ارشد، مولوی عبدالحق خیرآبادی، مولانا الله‌داد، مولانا احمد، مولانا عبدالماجد علی جونپوری، مفتی سعید، امین‌الحسن قابل ذکر هستند. اینها با تحریر کتاب‌ها و رساله‌های خودشان، زبان و ادبیات عربی و فارسی را در هند رونق فراوان و شگفتگی خاصی بخشیدند.

از دیگر استادان مدرسه کلکته که استعداد و توانایی خودشان را در پیرامون گسترش و ترویج زبان و ادبیات فارسی صرف نمودند، عبارت‌اند از: آغا احمد علی، مولانا جمیل انصاری، مولانا عبدالرؤف واحد، مولوی عبدالغفور نسّاخ، علامه عبدالرحمن علی کاشغری، مولانا عبدالسلام، لطف‌الرحمن بُردوانی، ابوالفتح محمد حسین.

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۶۲.

آغا احمد علی از اهالی شهر دهاکه، از دانشوران برجسته زمان خود به حساب می‌آمد. وی بسیاری از کتاب‌های فارسی انجمن آسیایی بنگال را تصحیح نمود. در شب شعر تاریخی مدرسه کلکتہ که سخنور نامدار میرزا غالب دهلوی شرکت نموده بود، آغا احمد علی هم شرکت داشت. وقتی که اسدالله خان غالب در کتاب خود (قاطع برهان) برهان قاطع را مورد انتقاد و طنز قرار داد، احمد علی به حمایت و پشتیبانی از برهان قاطع بلند شد و کتاب مؤیدالبرهان را در سال ۱۸۶۵ میلادی نوشت. غالب نیز، رساله‌ای به نام «تیغ تیزتر» نوشت و به احمد علی پاسخ داد. در پاسخ به مطالب این کتاب میرزا غالب، احمد علی کتابی با عنوان شمشیر تیزتر در سال ۱۸۶۸ میلادی نوشت.<sup>۱</sup> علاوه بر این احمد علی با تألیف کتاب‌هایی چون رسائل اشتیاق، تاریخ صنف مثنوی، ترانه، هفت آسمان، سهم بسزایی در گسترش زبان و ادبیات فارسی ایفا نموده است، و در انجمن آسیایی بنگال برای تصحیح سکندرنامه بحری با اسپرنگر همکاری نموده است. همچنین با مولوی کبیرالدین، اقبالنامه جهانگیری را تصحیح کرد. اما، مآثر عالمگیری را خود تصحیح نمود.<sup>۲</sup> تصحیح نسخه‌های خطی مذکور کاری سخت و زحمت طلب بود، اما آغا احمد علی این وظیفه دشوار را به خوبی انجام داد.

محمد عبدالرؤف واحد، از دانشوران و شاعران برجسته فارسی قرن نوزدهم میلادی در بنگال شناخته می‌شود. وی کتاب‌های بسیاری را گردآوری کرده و نوشته است. مثلاً تاریخ بنگال، تاریخ کلکتہ، تحفه الحج. او سلطان الاخبار اردو را مدیریت کرد و روزنامه‌ای به نام دوربین را به زبان فارسی انتشار داد. او در سال ۱۸۵۵ میلادی به عنوان مترجم دولتی استخدام شد و در سال ۱۸۶۰ میلادی به عنوان استاد فارسی مشغول کار شد. وی در تشویق و ترغیب دانشجویان به مطالعه زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی ایفا نمود.<sup>۳</sup> وی صاحب دیوانی فارسی بود که در سال ۱۸۹۱ میلادی انتشار یافت.<sup>۴</sup>

۱. کلیم سهرامی: بنگال مین غالب‌شناسی، دهاکه، ۱۹۹۰ م، ص ۹-۳۸.

۲. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالیہ کلکتہ، ص ۵-۱۸۴؛ خالدہ حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۵.

۳. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالیہ کلکتہ، ص ۱۹۸.

4. Firoze Obaidi, M: *A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal*, Calcutta, 2005, p.7.



عبدالسلام از زادگاه چیتگاؤن و از دانش‌آموختگانِ مدرسهٔ کلکته نیز از استادان فارسی مدرسهٔ کلکته بود. او، دو کتاب مهم فارسی یعنی *صحیفه‌العمل* و *مرآة‌الخیال* را تصحیح کرد.<sup>۱</sup>

عبدالغفور نساخ، شاعر سرشناسِ بنگال نیز از مدرسان این مدرسه بود. مجموعه شعر فارسی، به نام *مرغوب دل* که دارای ۱۱۲ رباعی فارسی می‌باشد، از شاهکارهای وی است.<sup>۲</sup> علاوه بر این غزل‌ها و قطعات و قصاید زیادی سروده است. مجموعه‌های اردو تحت عنوان *گنج تواریخ* و *کنز تواریخ* و دواین تحت عنوان *دفتر بی‌مثال*، اشعار نساخ و ارمغان از کارهای وی می‌باشد. وی *پندنامهٔ عطار* را به زبان اردو و تحت عنوان *چشمهٔ فیض* ترجمه کرد. این اثر، در چاپخانهٔ معروف نولکشور انتشار یافت. این کارها، استعداد سخن‌سرای وی را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup>

نابغهٔ روزگار مولانا عبیدالرحمن سهروردی (۱۸۸۵-۱۸۳۴ م)، دانش‌آموخته از مدرسهٔ کلکته از شاعران نامدار بنگال بلکه سراسر هند به‌شمار می‌آمد. وی به‌عنوان استاد عربی، در کالج هبلی خدمات شایانی انجام داد.<sup>۴</sup> وی به‌زبان فارسی اشعار بسیار سرود. مجموعهٔ کلام وی، چند جلد می‌باشد. او کتابی تحت عنوان *دستور فارسی امروز* پیرامون موضوع و محتوای دستور زبان فارسی جدید در پنج جلد تحریر کرد. وی سیر حکمای فرنگ را نوشت که تا حالا به‌چاپ نرسیده است. علاوه بر این کتاب‌هایی به‌زبان عربی نوشته است. او کتاب *تحفة الموحدين* تألیف راجا رام موهن را به‌زبان انگلیسی ترجمه نمود. وی به‌عنوان «بحرالعلوم» شناخته می‌شود.<sup>۵</sup>

بدون شک، قبل از تقسیم هند، مدرسهٔ کلکته دوره‌ای زرین را سپری کرد. اما، تقسیم هند و پیدایی پاکستان، محیط و اوضاع پژمرده و بی‌سروسامانی برپا کرد. به‌دنبال

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسهٔ عالی کلکته، ص ۲۰۱.

۲. لطف‌الرحمن: نساخ سی وحشت تک، کلکته، ۱۹۵۹ م، ص ۳۸؛ محمد حامد علی خان: عبدالغفور نساخ، آکادمی ساهتی، دهلی، ۲۰۰۳ م، ص ۸۱

۳. محمد حامد علی خان: عبدالغفور نساخ، ص ۹۳-۶۲.

4. Firoze Obaidi, M: *A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal*, p.25.

۵. همان، ص ۲۹، ۴۱، ۴۵.

این امر، برومندی و شگفتگی صد و پنجاه ساله این مدرسه بزرگ از دست رفت. پس از ایجاد پاکستان شرقی (بنگلادش) و تصمیم به انتقال مدرسه تاریخی کلکتہ به مرکز تازه دهاکه اوضاع نابسامان و بی‌نظمی خاصی اتفاق افتاد. با تلاش مدیر وقت مدرسه (خان بهادر محمد ضیاء الحق) تصمیم گرفته شد که فقط بخش عربی به دهاکه منتقل شود و بخش فارسی و انگلیسی در همان ساختمان کلکتہ ادامه کار دهد.<sup>۱</sup> اما تمام استادان و کارمندان به همراه کتابخانه غنی و گران‌بهای مدرسه کلکتہ که دارای نسخه‌های خطی نادر و نایاب عربی و فارسی بود به شهر دهاکه منتقل گردید. به جز دو معلم مابقی استادان به مرکز نو رفتند. این جریان، برای تمام مسلمانان هند باعث تأسف و موجب دل‌سردی بود.

واقعاً این فاجعه بزرگ و زیان‌بار بی‌جبران (چه در تاریخ هند و چه در مدرسه کلکتہ) بود که شکوه و افتخار سابق را به‌زوال کشید. از یک‌طرف، مسلمانان هند میراث فرخنده و فاخر گذشته را از دست دادند و از طرف دیگر در زمینه آموزش و پرورش، مدرسه‌های بنگال بی‌بهره شد و صدمه زیادی دید. به‌رحال در سال ۱۹۴۹ میلادی، روشنایی امید و نشان خوش‌بینی در ابر پنهان شد و چادر افسردگی و غم برپا شد. در همین موقع با تلاش صادقانه سیاستمداران و اندیشمندان مسلمان هند چون مولانا ابوالکلام آزاد (وزیر آموزش و پرورش اسبق هند)، حسین احمد مدنی (رئیس جمعیت علمای هند)، مولانا حفظ الرحمن، مولانا زمان حسینی، قاری رحمت‌الله و پشتیبانی و تشویق دکتر بی.سی. رای (استاندار بنگال) بازسازی مدرسه عالی کلکتہ در طبقه اول همان ساختمان که خالی بود، مورد توجه قرار گرفت. در این موقع خان بهادر عبدالله ابوسعید به‌عنوان مدیر مدرسه عالیہ کلکتہ انتخاب شد.

در سال ۱۹۴۹ میلادی، سعید احمد اکبرآبادی دانشمند برجسته اسلامی، به‌دستور و خواهش مولانا ابوالکلام آزاد ریاست این مدرسه را به‌عهده گرفت. در طی ریاست وی، سعی بسیار و کاوش دامنه‌دار برای به‌دست آوردن معیار تعلیم (مقام علم و دانش) و فراگرفتن افتخار گم‌گشته مدرسه صورت گرفت. او مقاله‌های فوق‌العاده‌ای در مجله‌ها

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالیہ کلکتہ، ص ۱۱۳.

و روزنامه‌های معتبر و موقر گوناگون به چاپ رساند و برای مدت کوتاهی نیز مدیر مسئولی ماهنامه برهان را به عهده گرفت. وی به عنوان دانشمند و دانشوری معروف در جهان شناخته شد.

مولانا محمد کفیل فاروقی، متخلص به «فریدی» و فارغ التحصیل از دارالعلوم دیوبند، به عنوان استاد مدرسه کلکته اشتغال داشت. وی به زبان و ادبیات فارسی بسیار خدمت نموده است. وی اشعاری زیبا به زبان‌های اردو، عربی و فارسی سروده است. استاد دیگر، مولانا نور عالم بیهاری نیز شاعر فارسی بود.

یکی دیگر از دانشوران بزرگ و برجسته فارسی و عربی و مطالعات اسلامی مدرسه، مولانا معصومی (ت: ۱۹۳۱ م) می باشد. وی از دانش‌آموختگان مدرسه عالی کلکته و یکی از ادبا و نخبگان عربی قرن بیستم میلادی محسوب می شود و در رشته‌های عربی و فارسی بی نظیر و بی همتا بود. او مقاله‌های فوق العاده‌ای در مجله‌های مهمی چون معارف، برهان، اندو ایرانیکا، ثقافت‌الهند انتشار داده است. به همین خاطر، از طرف رئیس جمهور هند جائزه «سند افتخاری» گرفت.

پروفسور محمد شاهدالله، استاد عربی و رئیس اسبق مدرسه عالی کلکته کتابی درباره موضوع و محتوای دستور و ترجمه فارسی برای دانشجویان دبیرستانی به زبان انگلیسی تألیف کرد. همچنین، مقاله‌های متعددی در مورد آموزش و پرورش و مطالعات فارسی در مجله‌های مختلف به چاپ رساند.

محمد عبدالله که پس از تقسیم هند سال‌ها استاد مدرسه عالی کلکته بود، خدمات ارزنده و شایانی برای گسترش و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی داشته است. وی نویسنده و استاد پرکاری بود و مقاله‌های تحقیقی زیادی تحریر نمود. گردآوری سومین فهرست توضیحی نسخه‌های خطی فارسی انجمن آسیایی بنگال، بهترین نمونه و نماد کار وی به نظر می‌رسد. وی به دلیل خدماتش در زمینه زبان و ادبیات فارسی، «سند افتخاری» از جانب رئیس جمهور هند گرفت.

پس از بررسی و نظر سنجی، هویدا و آشکار می‌گردد که مدرسه عالی کلکته در گسترش و بازسازی و احیای زبان و ادبیات فارسی در بنگال نقش مهم کلیدی ایفا نموده است. بسیاری از دانشمندان و سخنوران و نویسندگان که با این درسگاه نامور و

مرکز علمی نامدار ارتباط داشتند، به نوعی شمع درخشان و چراغ تابناک فارسی را در این سرزمین ادب‌پرور و علم دوست روشن و فروزان نگه داشتند. تحت تأثیر این چراغ درخشنده، نوجوانان مسلمان در سراسر بنگال، آسام و بنگلادش از زبان فارسی بهره‌مند شدند.

امیدوارم که در آینده نیز مدرسه عالیہ کلکتہ چراغ راهنما و مشعل فروزان گسترش و پیشرفت زبان و ادبیات عربی و فارسی و مطالعات اسلامی در هند شرقی باشد.

#### منابع

۱. خالدہ حسینی: ایشیاتیکی سوسائتی کی خدمات فارسی، کلکتہ، ۱۹۹۷ م.
۲. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالیہ کلکتہ، داکا (بنگلادش)، ۱۹۵۹ م.
۳. کلیم سہسرامی: بنگال میں غالب شناسی، دہاکہ، ۱۹۹۰ م.
۴. لطف‌الرحمن: نسخ سی وحشت تک، کلکتہ، ۱۹۵۹ م.
۵. محمد حامد علی خان: عبدالغفور نسخ، آکادمی سہتیہ، دہلی، ۲۰۰۳ م.
6. Firoze Obaidi, M: *A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal*, Calcutta, 2005.
7. Inavow, W: *Concise Description Catalogue of the Persian Manuscripts*, Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1985.
8. *Journal*, Asiatic Society of Bengal, Vol. 23, 1854.
9. Rahman, M: *History of Madrasa Education*, Calcutta, 1979.